

توبه و جایگاه بلند آن در عرفان

سید علی حسینی

و پیامبر بزرگ اسلام - صلی . . . علیه و آله - همواره در حال توبه و در طلب توبه الهی بوده اند. ^{۱۱} امیرالمومنین علی ابن ابی طالب - علیه السلام - که همه صوفیان و عارفان بوجودش افتخار می کنند و وی را مرشد مرشدان و . . . می دانند - و فرزندان معصومش - بویژه امام زین العابدین - علیه السلام - رهنمودهایشان و خصوصاً نیایشهایشان مملو از توبه و استغفار است و سلوک معنوی بسیاری از ستاره های درخشان آسمان عشق و عرفان مانند رابعه عدویه، ^{۱۲} ابراهیم بن ادهم ^{۱۳}، و فضیل عیاض ^{۱۴} و . . . با توبه آغاز می گردد و بسیاری از عارفان بزرگ آن را نخستین گام سالک در راه سازندگی می دانند .

از دیدگاه قرآن هم که بی گمان از مهمترین منافع عرفان است، دهها آیه به این امر خطیر اختصاص داده شده است، واژه «توبه» و مشتقاتش نود و دو بار و «استغفار» و مشتقاتش چهل و پنج مرتبه در کتاب خدای غزوجل استعمال شده است. افزون بر اینکه در آیات متعدد و مختلف دیگر هم بدون ذکری از این واژه ها این مسئله مطرح شده است. مفسران کتاب خدا نیز با عنایتی خاص به شرح و بسط و تفصیل معنای این واژه کوتاه اما پر محتوا پرداخته اند؛ تأملی اندک در تفاسیر شیعه و سنی بویژه تفاسیر عرفانی به روشنی این واقعیت را نشان می دهد بعنوان نمونه پیر هرات در تفسیر ارزشمند خود ذیل اکثر آیات توبه و استغفار، در ابعاد گوناگون توبه سخن رانده است و آهنگ کلام وی نشانگر این است که گاه آنقدر تحت تأثیر نورانیت قرآن قرار گرفته که عنان اختیار از کف داده و مطالب والا و گرانبغری که سرشار از سوز، شیفگی و عشق است، برای ما بیادگار گذاشته است. علامه طباطبایی نیز افزون بر تفسیر این آیات بحث مفصلی در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه طرح فرموده است. ^{۱۵}

← یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات العارفین توبه است، توبه گر چه در نظر مفسران، علمای علم اخلاق، متکلمان و محدثان از جایگاهی بلند و ارزشی والا برخوردار است اما عارفان و صوفیان توجه ای خاص و عنایتی ویژه به آن مبذول داشته اند. سیری اجمالی در آثار مشایخ بزرگ به وضوح نشانگر این معنی است. از آثار ارزشمند آنان چنین بدست می آید که تقریباً همه اینها توبه را از مهمترین مقامهای سالک راه حق می دانسته اند. بعنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف الاسرار، منازل السائرین و صدمیدان و . . . این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده است. ^۱ محیی الدین عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی باب مفصلی را در دایرة المعارف بزرگ خود (الفتوحات المکیه) ^۲ به این امر اختصاص داده است.

نجم الدین رازی در «مرصاد العباد» ^۳ دو مبحث بسیار مهم در این مورد دارد. مولوی افزون بر طرح مسئله توبه در «مثنوی معنوی» به مناسبتهای مختلفی، توبه نصوح را بطور جالب، جامع و مشروح بیان فرموده است. ^۴ بلبل گلستان شعر و عرفان، حافظ شیرازی در حد قابل توجهی مسئله را مدنظر داشته و در سی و دو بیت از دیوان خود به بیسان توبه پرداخته است، ^۵ ابن فارض شبستری، و نسفی هر کدام بنوبه خود بر اهمیت این موضوع اصرار ورزیده اند. ما بعنوان نمونه سخنی از خواجه عبدا . . . انصاری را در ارزش والا ی توبه نقل می کنیم: « . . . توبه نشان راه است، و سالار بار، و کلید گنج، و شفیع وصال، و میانجی بزرگ و شرط قبول و سرهمه شادی. » ^۶

از نشانه های اهمیت توبه، تاریخ دیرینه آن است؛ زندگی آدم ابوالبشر ^۷ در این ناسوت خاکی با آن آغاز می شود، پیام آوران بزرگ همانند ابراهیم، اسماعیل، ^۸ یونس، ^۹ موسی ^{۱۰}

مقام مرتبه ای است از مراتب سلوک که در تحت قدم سالک آید و محل استقامت او گردد و زوال نپذیرد. «^{۲۰}

تعداد و ترتیب مقامات

در تعداد منازل و مقامات و ترتیب و نظم آنها عبارات عارفان مختلف است. بعنوان مثال: ابونصر سراج (متوفی ۳۷۸) مراحل سلوک را هفت مقام می داند که به ترتیب عبارتند از: توبه و... ابو محمد الکلاباذی (م ۳۸۰) در کتاب «التعرف لمذهب اهل التصوف» از باب ۳۵ تا ۶۱ تألیف خود به ذکر پاره ای^{۲۱} از مقامات پرداخته و از توبه آغاز و به توحید ختم کرده است.^{۲۲}

عزالدین کاشانی (م ۷۳۵) در مصباح الهدایه مقامات را ده مرحله دانسته است و از مقام توبه آغاز و به رضا ختم کرده است. به روایت هجویری در کشف المحجوب اول کسی که اندر ترتیب مقامات و بسط احوال خوض کرد «ابوالحسن سری بن المفلس السقطی» استاد و دایی جنید بغدادی^{۲۳} بود می گوید هر کدام از انبیا مقامی دارند پس مقام آدم توبه بود.^{۲۴} و حاصل سخن آنکه: سخن بزرگان عرفان و تصوف در تعداد منازل و مقامات مختلف است، برخی تعداد آنها را هفت، و برخی ده و برخی چهل، روزبهان اصفهانی هزار و یک، پیرهرات (خواجه عبدا... انصاری) صد و... دانسته اند.

در چینش و نظم و ترتیب آنها نیز بهمان اندازه سخن عارفان مختلف است. در هر حال بسیاری از شخصیت‌های برجسته عرفان، توبه را مقام اول و نخستین منزل سیر صعودی و سفر روحانی سالک دانسته اند.

توبه اولین مقام و منزل عارفان

بی گمان، سالک راه حق برای وصول به سر منزل مقصود باید منازل و مقاماتی را طی کند و توبه اولین مقام و منزل سالکان راه حق است. کسی که می خواهد به سوی او سیر کند باید روی از دنیا، خود و هر چه غیر اوست، برتابد و با تمام وجود متوجه حق شود و این جز با انقلابی بزرگ از درون که

اخبار و روایات بسیار زیادی نیز در این باره وارد شده است که بی گمان مورد استفاده و استشهاد عرفا در این مبحث بوده است؛ مرحوم مجلسی مجموعه ای از این روایت را در «بحار الانوار» گرد آورده است.^{۱۶}

خواجه نصیر طوسی - رضوان... تعالی علیه - در تجرید نیز بابتی را بعنوان توبه گشوده است و شارحان کتاب وی هم مطلب را مورد شرح و تفصیل قرار داده اند^{۱۷} از مجموع اینها نتیجه می گیریم که:

توبه در عرفان، اخلاق،^{۱۸} قرآن، حدیث و کلام از جایگاه والا و ارزش گرانقدری برخوردار است.

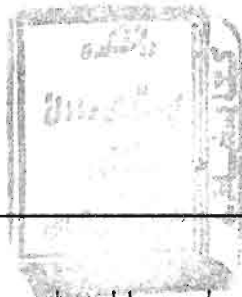
به هر حال، توبه یکی از مقامات العارفین است، قبل از شروع بحث، به توضیح معنای مقام و سلوک می پردازیم.

معنای سلوک و مقام

هدف عارف وصول به حق و رسیدن به محبوب است و این مهم جز از راه سلوک و طی مقامات بس دشواری میسر نمی گردد، و توبه یکی از این منازل و مقامها است. از اینرو از باب مقدمه اشاره ای به معنای سلوک و مقام نموده و در این مورد به نقل کلام تنی چند از عارفان بزرگ بسنده می نمایم.

شیخ محمود شبستری در توضیح معنای سلوک و مقام چنین می فرماید: سلوک سالک سفری معنوی است و در این سفر مراحل قطع می کند و از منزلی می گذرد در هر مرحله مقامی است که سالک به آن در می آید و پس از اینکه در یک مقام به کمال رسید به مقام برتر می رود، مقام مرتبه ای از مراتب سلوک است که به سعی و کوشش و اراده و اختیار سالک بدست می آید. روا نباشد از مقام خود اندر گذرد بی آنکه حق آن مقام بگذارد. در جریان آمدن به این مقامات و گذار از آنها آینه دل سالک صفا می پذیرد و از جهان معنوی به او فیضها می رسد... سالک در قدم اول به توبه متصف می گردد.^{۱۹}

و عزالدین کاشانی در «مصباح الهدایه» می فرماید: «مقامات در اصطلاح صوفیان اقامت بنده است در عبادت از آغاز سلوک به درجه ای که به آن توسل کرده است و شرط سالک آنست که از مقامی به مقام دیگر ترقی کند. و در تعریف آن آورده اند مراد از



در مرصاد العباد می فرماید: «چون مرید به خدمت شیخ پیوست و . . . باید به بیست صفت موصوف باشد تا داد صحبت شیخ بتواند و سلوک این راه بکمال او را دست دهد. اول مقام توبه است باید که توبتی نصوح کند که بنای جمله اعمال بر این اصل خواهد بود و اگر این اساس به خلل باشد در نهایت کار خلل آن ظاهر شود و جمله باطل گردد و آنهمه رنجهای حبط شود.»^{۳۲}

شبستری در گلشن راز می فرماید:

به توبه متصف گرد در آندم

شود در اصطفاء ز اولاد آدم

و لاهیجی می فرماید: «بدانکه در طریق سیر الی . . . و سیر رجوعی، اول مقامی که سالک سائر بر آن عبور می نماید، مقام توبه است. . . اشاره بر این معنی است که: در هنگام توجه به جانب علیین ابرار و شروع در سلوک طریقت به توبه . . . متصف گردد و توبه صفت وی شود.»^{۳۳}

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی در رساله لقاء . . . پس از بیانات سودمند و جامعی در اثبات لقاء . . . یعنی امکان رسیدن به مقام بلند عرفانی و معنوی از طریق مجاهده می فرماید: «آری بعد از اینکه مقصود معین شد آن وقت دامن همت به کمر بزند و بگوید:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا جان رسد به جانان یا جان ز تن برآید

توبه صحیحی از گذشته ها بکند . . .»^{۳۴} در مصباح الشریعة می فرماید: «التوبه حمل . . . و مدد عنایت و لابد للعبد من مداومة التوبه علی کل حال.»^{۳۵}

در میدان عمل نیز بسیاری از مشایخ بزرگ عرفان و تصوف از توبه آغاز کرده اند که بذکر نمونه هایی از آنان می پردازیم.

توبه اولین منزل رابعه عدویّه

شاید عطار نیشابوری اولین کسی باشد که قسمتهای اول شرح زندگی رابعه عدویّه را نوشته است، علی رغم مسلک شعری و عرفانی عطار و تلاش گسترده ایشان در جهت بزرگ نشان دادن چهره عارفان، عطار داستان توبه رابعه را بسیار

دیو منیت و هواها و شهوتها را از تحت سیطره و سلطنت دل برافکند، ممکن نیست و این است که زمینه ساز اجابت دعوت خدا و استفاضه از فیض او و نخستین پله نردبانی است که آنسویش دریای بی کران وجود الهی است. و به بیانی دیگر: برای اینکه عارف واصل شود، باید مقامات و منازل بس دشواری را بپیماید و این پیمودن مراحل و مراتب نظمی دارد که نخستین آنها توبه است؛ چرا که این حرکتی است که با فضل خدا آغاز شده، برای او و بسوی او و توأم با عشق او است و برای اینکه راه این سیر صعودی هموار گردد، باید سالک طریق حق، آتش، در دل افکند و آن آتش شعله برکشد و شعله ها فروزان شود تا ریشه های گناه و آثار و تبعات غفلتها، ترك اولی ها و . . . سوخته شود و دل شیفته شیدا را آماده حرکت بسوی او کند و این همان توبه است که البته پس از یقظه^{۲۵} و بیداری حاصل می شود. بنابراین، سائر الی . . . قبل از هر چیز باید به توبه ای حقیقی پردازد و تمام توان و تلاش خود را به منظور کمال آن مبذول دارد که توبه ای کامل و نصوح وار، زمینه ساز مقام بعدی و به قول پیرهرات «میدان دوم، مروّت است، از میدان توبه، میدان مروّت زاید.»^{۲۶} و عارفان بزرگ و عالیقدر به این واقعیت تصریح فرموده اند که نمونه هایی از آن به شرح زیر است:

«میدان اول مقام توبه است و توبه بازگشتن است به خدای . . . توبه نشان راهست و سالار بار و کلید گنج، و شفیع وصال، و میانجی بزرگ، و شرط قبول و سرّ همه شادی.»^{۲۷} عزالدین کاشانی می گوید: «اساس جمله مقامات و مفتاح جمیع خیرات واصل همه منازل و معاملات قلبی و قالبی، توبه است.»^{۲۸}

هجویری در کشف المحجوب می گوید: اول مقام سالکان طریق حق، توبه است.^{۲۹} دکتر سیدمحمدامادی در کتاب «شرحی بر مقامات العارفین» می گوید:

توبه را باب الابواب گویند، زیرا اول چیزی است که طالب سالک به سبب و وسیله آن چیز به مقام قرب حضرت خداوند وصول می یابد، توبه است.^{۳۰} از موارد متعددی از کتاب مشارق الدر استفاده می شود که توبه مقام اول عارفان است.^{۳۱}

رجع عن المعصية الى الطاعة . . . و تاب الله عليه وفقه لها و الله تواب يتوب على عبده»^{۴۳}

راغب اصفهانی می گوید: «توبه ترك گناه به بهترین وجه است و آن رساترین شکل پوزشخواهی است زیرا اعتذار سه قسم است و قسم چهارمی ندارد:

۱- اینکه پوزش خواه بگوید این کار را انجام نداده ام. (کار را از اساس منکر شود.)

۲- بگوید آنرا بدین دلیل انجام داده ام. (عذری برای کارش بتراشد.)

۳- این کار را انجام داده ام و گناه کرده ام و از بن و بیخ آن را ترك می کنم.

توبه در اصطلاح: آنچه در عرفان مهم است حقیقت توبه است اما بد نیست بعنوان مقدمه به ذکر پاره ای از تعاریف توبه که در گوشه و کنار کتب عرفانی آمده است پردازیم.

الف- جرجانی می گوید: «... و در اصطلاح شرع پشیمانی از گناهان است و صوفیان می گویند: توبه رجوع به خدای تعالی است برای گشودن گره امتناع از قلب و برخاستن به تمام حقوق پروردگار.»^{۴۴}

ب: عبدالرزاق کاشانی در شرح منازل السائرین پیرهرات می گوید: «توبه بازگشت از مخالفت حکم حق است به موافقت او پس تا زمانی که مکلف حقیقت گناه را نشناسد و نداند که فعلی که از او صادر می شود مخالف حکم خدا است برای آن مکلف رجوع از گناه صحیح نیست.»^{۴۵}

ذوالنون مصری: «توبه عوام، از گناه است و توبه خواص، از غفلت.» گفت: «بر هر عنصری، توبه ای است توبه دل، نیت کردن است بر ترك شهوات حرام و توبه چشم، از محارم بر هم نهادن، و توبه دست، ترك گرفتن دست از مناهی و توبه پای، نارفتن به مناهی.»^{۴۶}

سهل بن عبدالله: «اول توبه، اجابت است. پس انبات است، پس توبه است پس استغفار، اجابت به فعل بود و انابت به دل و توبه به نیت و استغفار از تقصیر...»^{۴۷} اول چیزی که مبتدی را لازم آید توبه است و آن ندامت است و شهوات را از دل برکندن و از حرکات مذمومه به حرکات محموده نقل کردن و دست ندهد بنده را توبه تا خاموشی را لازم خود

مجمعل و کوتاه و با شتابی تمام نقل کرده است. و احتمال دیگری را درباره وی تقویت نموده است، عبارت وی در این باره چنین است... «و گروهی گویند در مطربی افتاد آنگاه بر دست حسن توبه کرد و در ویرانه ساکن گشت...»^{۳۶}

عبدالرحمن بدوی پس از تأملی عمیق در عبارت عطار و بیان علت شتابزدگی وی در توبه «رابعة» ضمن تحلیل نسبتاً مفصلی همین روایت عطار را صحیح دانسته و اولین منزل رابعة را توبه می داند.^{۳۷}

توبه، اولین منزل ابراهیم ابن ادهم و فضیل عیاض

اولین منزل ابراهیم ابن ادهم، عارف بزرگ جهان اسلام توبه است.^{۳۸} حرکت عرفانی فضیل عیاض نیز با انقلابی کامل و جامع از درون (توبه) آغاز می شود.^{۳۹} معنویت و عرفان «بشرحافی» نیز از توبه آغاز می گردد.^{۴۰}

البته همانگونه که اشاره کردیم همه عرفا در این مورد اتفاق نظر ندارند و برخی از آنان مقام اول را توبه نمی دانند، بعبارت دیگر در مورد اینکه نخستین منزل سالک چیست؟ اختلاف است و در اینجا این مبحث را به کلام محی الدین ابن عربی در مورد اختلاف ختم می کنیم:

«میان اصحاب، در مورد اولین مقام عارف و سالک اختلاف است؛ برخی از آنان فرموده اند: اولین مقام «یقظة» است و برخی فرموده اند: اولین منزل «انتباه» است و برخی فرموده اند: نخستین گام «توبه» است.»^{۴۱}

مفهوم توبه

توبه در لغت از ماده «تَوَبَّ» به معنای «رَجَعَ» (بازگشت) است. ابن فارس متوفای ۳۹۵ هـ در «معجم مقاییس اللغة» می گوید: «توب، التاء و الباء و الواو كلمة واحدة تدل علی الرجوع يقال تاب من ذنبه ای رَجَعَ عنه، يتوب الی...» توبه و متاباً...»^{۴۲}

ابن منظور لغوی معروف می گوید: «التوبة الرجوع من الذنب... و تاب الی... يتوب توباً و توبَةً و متاباً اناب و

نگرداندو...» ۴۸

لاهیجی... بتوبه که بازگشتن بجانب حق است و ترك ماسوی الله متصف گردد. ۵۲

غزالی در احیاء العلوم، نراقی در جامع السعادات و فیض در محجة البیضاء در تعریف توبه می فرماید: «توبه عبارتست از سه امری که مترتب بر یکدیگرند و هر کدام علت دیگری است و آن سه عبارتند از: ۱- علم به مضمرات گناه و اینکه سبب دوری از حق تعالی می گردد. ۲- ندم و پشیمانی. ۳- تصمیم و اراده به عمل. کیفیت ترتب این سه امر به این صورت است که آگاهی از زبان گناه علت حالت ندامت و پشیمانی از آن می گردد و هنگامی که بخوبی این ندامت بر انسان مستولی گردد تصمیم می گیرد گناهان گذشته را جبران کند و در زمان حال گناه نکند و تصمیم می گیرد در آینده نیز مرتکب گناه نگردد. ۵۳

اخذ شده از مجله معرفت

ادامه دارد

جنید بغدادی: «توبه را سه معنی است: اول ندامت، دوم عزم بر ترك معاودت. سوم خود را پاك كردن از مظالم و خصومت. ۴۹»

خواجه نصیر طوسی (ره): «معنای توبه رجوع از گناه باشد و اول باید دانست گناه چه باشد. ۵۰»

دکتر قاسم غنی: «صوفیه توبه را به این شکل تعریف کرده اند که بیداری روح است از غفلت و بی خبری به طوری که گناهکار از راههای ناصوابی که می پیماید، خبردار شود و از گذشته بد خود متزجر گردد ولی فقط تذکر و تنبه کافی نیست که تأثبات شمرده شود مگر آنکه توبه کار بکلی آن معصیت یا معاصی را که مرتکب بوده و متذکر شده رها نماید و مصمم شود که بار دیگر به آن معاصی برنگردد تا به قول شیخ عطار در منطق الطیر:

تویقین می دان که صد عالم گناه

از تف یک توبه بر رخ یزد زرا. ۵۱

پی نوشتها

- ۸- «وارنا مناسکنا و تب علینا انک انت التواب الرحیم» بقره: ۱۲۸
- ۹- «وذالتون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»
- ۱۰- «فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اولک المؤمنین، اعراف: ۱۴۳»
- ۱۱- و استغفره انه کان تواباً نصر ۳ و حدود ده روایت به این مضمون وارد شده است «وانی استغفراً... فی کل یوم مائة مرة» مستدرک الوسائل ۳۸۷/۱
- ۱۲، ۱۳، ۱۴- رجوع به بحث توبه اولین مقام در همین مقاله.
- ۱۵- محمد حسین طباطبایی، المیزان، (قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴ هـ.ق) چاپ سوم، ص ۲۴۴ «کلام فی التوبه»
- ۱۶- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳) چاپ سوم، باب التوبه انواعها و شرایطها، ص ۱۱ الی ۴۲
- ۱۷- خواجه نصیر طوسی، تجرید الاعتقاد، ۹-۳۳۱ (قم، انتشارات ایران،

- ۱- نمونه هایی از گفتار خواجه عبدا... انصاری در تفسیر ارزشمند «کشف الاسرار» به مناسبتهای مختلف ذکر می کنیم.
- ۲- محیی الدین عربی، الفتوحات المکیه، (بیروت داراحیا، التراث العربی، بی تا) ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۴
- ۳- نجم الدین رازی، مرصاد العباد. (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵) چاپ دوم، ص ۲۵۵ و ۳۵۵.
- ۴- مولانا جلال الدین رومی. کلیات مثنوی، (انتشارات کتابفروشی اسلامیه، بی تا) دفتر پنجم ۴۸۳ قصه قوم یونس و دفتر چهارم ۴۲۵ بیان حدیث انی لاستغفر الله... و دفتر پنجم ۴۹۹ توبه نصح.
- ۵- مجله علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شیراز، شماره ۱ و ۲، سال ۶۹-۷۰ توبه در اشعار حافظ
- ۶- عبدا... انصاری، منازل السائرين، مترجم: روان فرهادی، (تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱) ص ۲۵۲ نقل از صد میدان
- ۷- «فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم» بقره: ۳۷

- بی تا) و علامه ابوالحسن شعرانی، ترجمه و شرح تجرید، (تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ هـ) چاپ دوم، ۵۸۵-۵۹۲
- ۱۸- در اخلاق نیز مسئله توبه بسیار مورد توجه بوده است بعنوان مثال: فیض کاشانی در محجة البیضا، بحث مفصلی در این باره دارد. غزالی در احیاء العلوم بحث جامع و جالبی را آورده است. و نراقی در جامع السعادات نیز در ابعاد مختلف توبه بحث کرده است.
- ۱۹- شیخ محمود شبستری، مجموعه آثار (تهران کتابخانه طهوری، ۱۳۶۵) ص ۲۴، ۲۵
- ۲۰- عزالدین کاشانی، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، (تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۶۷) چاپ سوم، ص ۱۲۵
- ۲۱- همان، ص ۱۳، بنقل از اللمع، ص ۸۳، ۶۶
- ۲۲- عزالدین کاشانی، پیشین، ص ۳۶۶ تا ۴۰۰
- ۲۳- سید محمد دامادی، همان
- ۲۴- کشف المحجوب، هجویری، (بی م، بی تا، بی تا) ص ۱۳۷ و ۴۸۴
- ۲۵- معمولاً «یقظه» قبل از توبه مطرح شده است و تأملی کوتاه در مسئله بیانگر صحت آن است - از جمله رجوع کنید به: خواجه عبدا... در منازل و صدمیدان
- ۲۶ و ۲۷- خواجه عبدا... انصاری، پیشین، ص ۲۵۳ و ۲۵۲
- ۲۸- عزالدین کاشانی، پیشین، ص ۳۶۷
- ۲۹ و ۳۰- سید محمد دامادی پیشین، ص ۲۹، به نقل از هجویدی پیشین ص ۳۷۸
- ۳۱- از جمله رجوع کنید به صفحه های ۱۴۸ و ۱۵۰ مشارق الدرر، شرح قصیده تائیه ابن فارض، سعید فرغانی، (انتشارات فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۹۸ هـ)
- ۳۲- نجم الدین رازی، پیشین ص ۲۵۷
- ۳۳- شرح گلشن راز، محمود لاهیجی، (انتشارات محمودی، بی تا) ۸-۲۵۷
- ۳۴- لقاء...، میرزا جواد ملک تبریزی، با تعلیق سیداحمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۰
- ۳۵- ترجمه: «توبه ریسمان خداست و مدد عنایت او است و بنده باید در هر حال به توبه اش ادامه دهد.» از جمله اول و سوم می توان استفاده کرد که توبه به مقام اول، سلوک به سوی خدا است. مصباح الشریعه، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، (تهران، انجمن حکمت و فلسفه
- بی تا) ص ۳۵۱.
- ۳۶- فریدالدین عطار نیشابوری، تذکرة الاولیاء، (تهران، انتشارات مرکزی، ۱۳۳۶) چاپ پنجم، ص ۶۶
- ۳۷- شهید عشق الهی، رابعه عدویه، عبدالرحمن بدوی، مترجم: محمد تحریرچی (تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۶) ص ۱۸-۲۴، به نظر می رسد تحلیل عبدالرحمن بدوی از سخن عطار نیشابوری عمیق و شایسته تأمل است.
- ۳۸ و ۳۹- عطار نیشابوری، پیشین، ص ۷۸-۷۹ و ۸۸-۸۹
- ۴۰- ابن عربی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۳
- ۴۱- عطار نیشابوری، پیشین، ص ۱۰۶
- ۴۲- احمد بن فارس، مقایس اللغة، (قم انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ هـ.ق) ج ۱، ص ۳۵۷
- ۴۳- ابن منظور، لسان العرب، (بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا) ج ۲، ص ۶۱
- همانطور که در متن ملاحظه شده است توبه را دو جور معنی کرده اند.
- ۱- (برگشتن و رجوع) ۲- برگشتن و رجوع مقید به «از گناه» در اقرب الموارد، قاموس و صحاح اللغة معنای دوم را اختیار کرده است در مجمع البیان هم در ذیل آیه ۳۷ بقره، توبه را رجوع از عمل گذشته دانسته است ولی نظر صحیح آنست که توبه به معنای مطلق رجوع باشد - همانطور که علامه طباطبائی در سراسر المیزان این معنی را پذیرفته است و دلیل آن این است که این معنی - بر خلاف معنای اول - شامل توبه خدا نیز می گردد.
- ۴۴- سید محمد دامادی، پیشین، ص ۲۹، بنقل از جرجانی.
- ۴۵- عبدالرزاق کاشانی، شرح منازل السائرين، (تهران، انتشارات کتابخانه علمیة حامدی، ۱۳۵۴) ص ۲۱
- ۴۶ و ۴۷ و ۴۸- سید محمد دامادی، پیشین، ص ۳۰، به نقل از عطار نیشابوری، پیشین، ص ۱۵۲
- ۵۰- محمد بن الحسن الطووسی، اوصاف الاشراف، (مشهد، انتشارات کتابفروشی زوار، ۱۳۵۷) ص ۲۳
- ۵۱- قاسم غنی، تاریخ تصوف، بی م، ج ۲، ص ۲۲۱
- ۵۲- محمود شبستری، پیشین، ص ۲۸۵
- ۵۳- غزالی، پیشین، ج ۴، ص ۳